



خواهد داد:

خاکستر تورا

باد سحر گهان

هر جا که برد

مردی ز خاک رو بید

در کوچه باغ‌های نشابور

مستان نیم شب به ترنم

آوازهای سرخ تورا باز

ترجیع وار

ز مژه کر دند

نامت هنوز در زبان هاست

چنین است که حلاج، پس از قرن‌ها دوباره در آینه نمایان می‌شود، و باز سرود سرخ اناالحق و دزبان اوست، و هنوز شحنة‌های پیر از مرده او پرهیز و رندان سرمست نام او را به مژه تکرار می‌کنند:

در آینه دوباره نمایان شد

با بر گیسوانش در باد

باز آن سرود سرخ اناالحق

و دزبان اوست

تو در نماز عشق چه خواندی؟

که سال هاست

بالای دار رفتی و این شحنة‌های پیر

از مرده ات هنوز

پرهیز می‌کنند

نام تورا به رمز

رندان سینه چاک نشابور

در لحظه‌های مستی

مستی و راستی

آهسته زیر لب

تکرار می‌کنند (۲)

و نیز بسیاری از شعرهای انقلاب و دفاع مقدس از شاعران انقلاب را که می‌خوانم، شعرهای مجموعه «در کوچه باغ‌های نیشابور» از جمله این غزل را به یاد می‌آورم:

موج موج خزر از سوگ سیه پوشانند

بیشه دلگیر و گیاهان همه خاموشانند

بنگر آن جامه کیبودن افق، صبح دمان

روح باغ اند کزین گونه سیه پوشانند

چه بهاری است خدا را که در این دشت ملال

لاله‌ها آینه خون سیاوشانند

آن فرورخته گل‌های پریشان در باد

کز می‌جام شهادت همه مدهوشانند

نامشان ز مژه نیمه شب مستان باد

تا نگویند که از یاد فراموشانند

گرچه زین زهر سمومی که گذشت از سر باغ

سرخ گل‌های بهاری همه بی‌هوشانند

باز در مقدم خونین توای روح بهار

بیشه در بیشه درختان همه آغوشانند (۳).

غزل، سوگ سروده‌ای حماسی است برای شهدای مبارزه با رژیم طاغوت که در مرداد سال ۱۳۵۰ شمسی در اوج اختناق و سیطره

ساواک سروده شده است، این غزل سر مشق نه تنها زبانی که ذهنی بسیاری از غزل‌های انقلاب و دفاع مقدس است زنده ماندن یاد و تدویم راه شهیدان که از محوری‌ترین مولفه‌های مفهومی شعر شهادت و ایثار انقلاب اسلامی است، گویا اولین بار در این شعر متجلی شده است.

و نیز غزل «آن عاشقان شرزه» که حماسی تر و موضع مند تر از منظر فرهنگ شهادت و ایثار به بیان، جاودانگی خون شهیدان و امتداد راه آنان پرداخته است:

آن عاشقان شرزه که با شب نزیستند

رفتند و شهر خفته ندانست کیستند

فریادشان نموج شط حیات بود

چون آذر خشد در سخن خویش زیستند

مرغان پر گشوده توفان که روز مرگ

در یاموج و صخره بر ایشان گریستند

می‌گفتی ای عزیز! سترون شده است خاک

اینک ببین بر ابر چشم تو چپستند

هر صبح و شب به غارت توفان روند و باز

باز آخرین شقایق این باغ نیستند (۴)

و باز وقتی سرود حماسی حمید سبزواری با مطلع:

آمریکا آمریکا، ننگ به نیرنگ تو

خون جوانان مامی چکد از چنگ تو (۵)

و شعرهای ضد آمریکایی شاعران انقلاب از جمله ترانه طرحی از تائیس علی معلم دامغانی:

طرح / آزادی به رغم بندگی کردن / طرح مشرک / طرح کافر
زندگی کردن / طرح او مانیت به لیده از تخنه / طرح در ایمان انسان
آخرین رخنه / طرحی از تائیس مشعل دار، از ابلیس / ماده دیوی
مانده بر امواج آتلانتیس / طرحی از تائیس / این که می بینید بابل
نیست / آتن نیست / آتیکاست / بل نه، آتیکای یونان / بابل مغرور، /
امریکاست / / طرحی از تائیس، از ابلیس / از شیطان آتیکا /
لکه ننگی است بر ننگ جهان / دامان امریکا (۶)

را که می‌خوانم، شعر نیویورک، شفיעی کد کنی، به ذهنم خطور می‌کند، شعری که در زمانی سروده شده که آمریکا به این گونه نه تنها به عنوان شیطان معرفی نشده بود که بزرگ ترین شریک سیاسی، نظامی و اقتصادی ایران بود و قبله آمال و آرزوهای بسیاری از روشنفکران این سرزمین، و این خود بیانگر روحیه استکبار ستیزی و هوشمندی شفיעی کد کنی است در دشمن شناسی: نیویورک

اومی مکد طراوت گل ها و بوته های آفریقارا

اومی مکد تمام شهد گل های آسیارا

شهری که مثل لانه زنبور انگبین

تا آسمان کشیده

و شهد آن دلار

یک روز

در هرم آفتاب کد امین تموز

موم تو آب خواهد گردید

ای روسپی عجز؟ (۷)

شفיעی هوشمند و آگاه به رسالت تاریخی خویش در کار روشنگری و تلنگر زدن به وجدان هایی است که امیدی به بیدار شدن آنها

بسیاری از شعرهای انقلاب و دفاع مقدس از شاعران انقلاب را که می‌خوانم، شعرهای مجموعه «در کوچه باغ‌های نیشابور» را به یاد می‌آورم
غزل «موج موج خزر از سوگ سیه پوشانند» سوگ سروده های حماسی است برای شهدای مبارزه با رژیم طاغوت که در مرداد ۱۳۵۰ در اوج اختناق و سیطره ساواک سروده شده است. این غزل سر مشق نه تنها زبانی که ذهن بسیاری از غزل‌های انقلاب و دفاع مقدس است.